



## نقش بی توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند و ارتباط آن با مشکلات رشدی-اجتماعی کودکان

ایمان العامری <sup>۱</sup>	تاریخ چاپ: ۱ دی ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۰ آذر ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۳ آذر ۱۴۰۴ تاریخ ارسال: ۱۶ مرداد ۱۴۰۴	<b>شیوه استناددهی:</b> العامری، ایمان. (۱۴۰۴). نقش بی توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند و ارتباط آن با مشکلات رشدی-اجتماعی کودکان. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت، ۳(۵)، ۱-۱۹.
----------------------------	---	---

### چکیده

هدف پژوهش تبیین نقش بی توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند و بررسی ارتباط آن با مشکلات رشدی-اجتماعی و نشانه‌های شبه‌اوتیسمی در کودکان شهر تهران بود. این مطالعه از نوع کمی-تحلیلی و مقطعی با رویکرد همبستگی است که بر روی ۳۰۰ کودک ۳ تا ۱۰ ساله ساکن تهران انجام شد. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های والدین در حوزه مدت و نوع مصرف رسانه، میزان نظارت و بی توجهی والدینی، مشکلات رشدی-اجتماعی و شاخص‌های ریسک نشانه‌های شبه‌اوتیسمی گردآوری و با استفاده از همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آزمون‌های ANOVA و کای دو، و رگرسیون خطی چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان داد بی توجهی والدین با مشکلات رشدی-اجتماعی همبستگی مثبت و قوی دارد ( $r=0.644, p<0.001$ ) و پیش‌بینی کننده معنادار این مشکلات است ( $\beta=0.530, p<0.001$ ). همچنین بی توجهی والدین و زمان صفحه‌نمایش، ریسک نشانه‌های شبه‌اوتیسمی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کردند ( $R^2=0.276, p<0.001$ ). تفاوت‌های گروهی بر اساس سطوح بی توجهی معنادار بود ( $F=70.05, p<0.001$ ). بی توجهی والدین نقش تشدیدکننده‌ای در اثرات منفی مصرف مدیریت‌نشده رسانه‌های هوشمند بر رشد اجتماعی کودکان دارد و مداخلات خانواده‌محور و ارتقای سواد رسانه‌ای والدین ضروری است.

**واژگان کلیدی:** بی توجهی والدین؛ رسانه‌های هوشمند؛ مشکلات رشدی-اجتماعی؛ نظارت والدینی؛ نشانه‌های شبه‌اوتیسمی

### مشخصات نویسندگان:

۱. گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پست الکترونیکی: emanalameri99619@gmail.com



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به

نویسنده است.

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

## Parental Neglect in Managing Smart Media Use and Its Association with Children's Socio-Developmental Problems

Iman Al-Ameri<sup>1\*</sup>

Submit Date: 07 August 2025  
Revise Date: 24 November 2025  
Accept Date: 01 December 2025  
Publish Date: 22 December 2025

**How to cite:** Al-Ameri, I. (2025). Parental Neglect in Managing Smart Media Use and Its Association with Children's Socio-Developmental Problems. *Intelligent Learning and Management Transformation*, 3(5), 1-19.

### Abstract

This study aimed to explain the role of parental neglect in managing smart media use and its association with socio-developmental problems and pseudo-autistic symptoms in children in Tehran. This quantitative cross-sectional correlational study was conducted on 300 children aged 3–10 years in Tehran. Data were collected via parent-reported measures assessing screen time, type of digital device, parental monitoring and neglect, socio-developmental problems, and risk indicators of pseudo-autistic symptoms, and analyzed using Pearson and Spearman correlations, ANOVA, chi-square tests, and multiple linear regression. Parental neglect showed a strong positive correlation with socio-developmental problems ( $r=0.644$ ,  $p<0.001$ ) and was a significant predictor of these problems ( $\beta=0.530$ ,  $p<0.001$ ). Parental neglect and screen time significantly predicted pseudo-autism risk ( $R^2=0.276$ ,  $p<0.001$ ), with significant group differences across neglect levels ( $F=70.05$ ,  $p<0.001$ ). Parental neglect substantially amplifies the adverse developmental effects of unmanaged smart media use, underscoring the necessity of family-based interventions and parental media literacy programs.

**Keywords:** Parental neglect; Smart media use; Socio-developmental problems; Parental monitoring; Pseudo-autistic symptoms

### Authors' Information:

[emanalameri99619@gmail.com](mailto:emanalameri99619@gmail.com)

1. Department of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحولات فناورانه و گسترش شتابان رسانه‌های هوشمند، زیست‌جهان کودکان و خانواده‌ها را به گونه‌ای بنیادین دگرگون کرده است. تلفن‌های هوشمند، تبلت‌ها، تلویزیون‌های دیجیتال و پلتفرم‌های ویدئویی، نه تنها به ابزار سرگرمی، بلکه به بخشی از ساختار روزمره تربیت، ارتباط و حتی آرام‌سازی کودکان تبدیل شده‌اند. این دگرگونی، به‌ویژه در سال‌های حساس رشد عصبی-شناختی، پیامدهایی عمیق برای تحول اجتماعی، هیجانی و ارتباطی کودکان به همراه داشته است. پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که عوامل محیطی و خانوادگی، به‌ویژه کیفیت حضور و مشارکت والدین، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به اثرات مثبت یا منفی این مواجهه دیجیتال دارند (Güneş, 2025). در این میان، توجه پژوهشی از «خود رسانه» به «بافت مصرف رسانه» و به‌طور خاص به نقش والدین در مدیریت این مصرف معطوف شده است.

خانواده به‌عنوان نخستین و پایدارترین بستر اجتماعی کودک، مسئول تنظیم محیط روانی-عاطفی، الگوهای ارتباطی و فرصت‌های یادگیری اجتماعی است. مشارکت والدین، کیفیت ارتباط والد-کودک و حضور عاطفی آنان، به‌طور مستقیم با پیامدهای رشدی و تحصیلی کودکان پیوند دارد (Covington, 2025). هنگامی که این حضور فعال تضعیف می‌شود و رسانه‌های هوشمند جایگزین تعامل انسانی می‌گردند، نوعی «غفلت والدینی پنهان» شکل می‌گیرد که نه از مسیر محرومیت مادی، بلکه از مسیر کاهش گفت‌وگو، هم‌تنظیمی هیجانی و ارتباط چهره‌به‌چهره عمل می‌کند (Oppen, 2025). این شکل از غفلت، به‌ویژه در خانواده‌های شهری با فشارهای شغلی و روانی بالا، می‌تواند به الگوهای پرخطر رشدی منجر شود.

ادبیات روان‌شناختی و اجتماعی نشان می‌دهد که کیفیت ارتباط والد-کودک، از جمله مهارت‌های ارتباطی والدین و میزان پاسخ‌گویی عاطفی آنان، با طیفی از پیامدهای رفتاری و اجتماعی نوجوانان و کودکان مرتبط است (Okesina, 2024). کاهش این کیفیت در بستر مصرف بی‌قاعده رسانه‌های هوشمند، می‌تواند زمینه بروز مشکلاتی نظیر کناره‌گیری اجتماعی، ضعف مهارت‌های ارتباطی، رفتارهای تکراری و دشواری در تنظیم هیجان را فراهم سازد. از این منظر، رسانه نه یک عامل علی منفرد، بلکه بخشی از یک شبکه پیچیده از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در تعامل با یکدیگر معنا می‌یابند (Xiong et al., 2024).

در سال‌های اخیر، مفهوم «نشانه‌های شبه‌اتیسمی» برای توصیف الگوهایی از رفتار و تعامل اجتماعی به کار رفته است که الزاماً معادل تشخیص بالینی اختلال طیف اتیسم نیستند، اما شباهت‌هایی کارکردی با آن دارند؛ از جمله کاهش تعامل اجتماعی، محدودیت ارتباط کلامی و بروز رفتارهای کلیشه‌ای. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فقر تعامل اجتماعی معنادار در سال‌های اولیه زندگی می‌تواند به بروز چنین الگوهای بینجامد (Papini et al., 2024). در این چارچوب، مصرف افراطی رسانه‌های هوشمند، در غیاب نظارت و هدایت والدین، می‌تواند به‌عنوان یک عامل خطر تشدیدکننده عمل کند، نه علت مستقیم یا زیستی.

نقش سلامت روان والدین و پویایی‌های درون‌خانوادگی نیز در این فرآیند قابل چشم‌پوشی نیست. مطالعات نشان داده‌اند که فرسودگی والدینی، استرس، و ناتوانی در تنظیم هیجان، می‌تواند کیفیت تعامل با کودک را کاهش دهد و به استفاده ابزاری از رسانه به‌عنوان جایگزین حضور عاطفی منجر شود (Liu et al., 2025). همچنین، کیفیت پیوند عاطفی و ظرفیت ذهنی‌سازی والدین، درک آنان از نیازهای هیجانی کودک و پاسخ‌دهی مناسب به این نیازها را شکل می‌دهد (Flanagan, 2024). در غیاب این ظرفیت‌ها، کودک بیشتر در معرض تجربه‌ای منفعلانه از رسانه قرار می‌گیرد.

از منظر حمایت اجتماعی و بافت فرهنگی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خانواده‌هایی با شبکه‌های حمایتی ضعیف‌تر، بیشتر به راهبردهای جبرانی نظیر واگذاری کودک به رسانه متوسل می‌شوند (Özdemir et al., 2025). این وضعیت می‌تواند در جوامعی که فشارهای اجتماعی-اقتصادی بالاتری را تجربه می‌کنند، تشدید شود. شواهد کیفی از زمینه‌های پرتنش اجتماعی نیز حاکی از آن است که عوامل خطر محیطی، در تعامل با کارکرد خانواده، سلامت روان کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Rafiq & Bashir, 2025).

در کنار این عوامل، مفهوم تاب‌آوری خانواده و کودک اهمیت ویژه‌ای دارد. تاب‌آوری به‌عنوان یک فرآیند پویا، می‌تواند اثرات عوامل خطر را تعدیل کند، مشروط بر آنکه خانواده از منابع عاطفی، شناختی و ارتباطی کافی برخوردار باشد (Lysak, 2024). زمانی که این منابع تضعیف می‌شوند، رسانه‌های هوشمند به‌جای ابزار مکمل، به عنصر غالب تجربه کودک بدل می‌گردند. این غلبه رسانه‌ای، به‌ویژه در سال‌های پیش‌دبستان و دبستان، می‌تواند فرصت‌های یادگیری اجتماعی مبتنی بر بازی، گفت‌وگو و تجربه مشترک را محدود سازد.

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه روابط خانوادگی کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم نیز نشان می‌دهند که فشارهای روانی والدین، رضایت زناشویی و کارکرد خانواده با شدت مشکلات کارکردی کودکان مرتبط است (Özoğuz et al., 2025). اگرچه مطالعه حاضر بر کودکان با تشخیص بالینی تمرکز ندارد، اما این یافته‌ها نشان می‌دهد که پویایی خانواده و کیفیت روابط، نقشی محوری در شکل‌گیری و تداوم مشکلات رشدی و اجتماعی ایفا می‌کند. همچنین، تجربه والدین دارای کودکان با نیازهای ویژه نشان می‌دهد که ناتوانی در مدیریت استرس و ارتباط، می‌تواند چرخه‌ای از فشار متقابل میان والد و کودک ایجاد کند (Karim et al., 2025).

در سطح روابط بین‌والدینی، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تجربه‌های روزمره فرزندپروری می‌تواند به روابط زناشویی سرریز شود و این سرریز هیجانی، به‌طور غیرمستقیم بر کیفیت تعامل با کودک اثر بگذارد (Wang et al., 2025). چنین فرآیندهایی نشان می‌دهد که مدیریت مصرف رسانه کودک، پدیده‌ای منفک از کل نظام خانواده نیست، بلکه در دل شبکه‌ای از روابط عاطفی و شناختی رخ می‌دهد. در این شبکه، غفلت والدینی می‌تواند هم پیامد فشارها باشد و هم عاملی برای تشدید مشکلات بعدی.

از سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌فرهنگی در حوزه آموزش و مشاوره نشان می‌دهند که ضعف نظام‌های حمایتی و آموزشی خانواده‌ها، توان والدین را در مدیریت چالش‌های نوظهور، از جمله رسانه‌های دیجیتال، کاهش می‌دهد (Panford-Quainoo et al., 2024). این خلأ آموزشی، ضرورت توجه به سواد رسانه‌ای والدین را برجسته می‌سازد. در همین راستا، مطالعات جدید تأکید می‌کنند که ارتقای سواد رسانه‌ای والدین می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد پیشگیرانه در برابر پدیده‌هایی نظیر «اوتیسم دیجیتال» یا الگوهای شبه‌اوتیسمی عمل کند (Zhangaliyeva & Zhukenova, 2025).

نکته مهم آن است که مصرف رسانه‌های هوشمند، ذاتاً پدیده‌ای منفی تلقی نمی‌شود؛ بلکه اثرات آن وابسته به شیوه مدیریت، میزان مصرف و کیفیت همراهی والدین است. پژوهش‌های مرتبط با استفاده مسئله‌ساز از پلتفرم‌های ویدئویی کوتاه نشان می‌دهند که ترکیب عوامل فردی، اجتماعی و محیطی تعیین می‌کند که مصرف رسانه به فرصت یا تهدید بدل شود (Xiong et al., 2024). در کودکان، این ترکیب بیش از هر چیز به نقش فعال یا منفعل والدین وابسته است.

در نهایت، با توجه به شواهد موجود، می‌توان گفت که بی‌توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند، به‌عنوان یک عامل میانجی یا تشدیدکننده، می‌تواند مسیر رشد اجتماعی-هیجانی کودک را تحت تأثیر قرار دهد. این بی‌توجهی نه تنها با کاهش تعامل انسانی، بلکه با افزایش احتمال بروز الگوهای رفتاری شبه‌اوتیسمی و مشکلات اجتماعی همراه است. با وجود این، در بافت شهری ایران و به‌ویژه شهر تهران، پژوهش‌های کمی نظام‌مند که این روابط را به‌طور هم‌زمان بررسی کرده باشند، همچنان محدود است.

هدف این پژوهش تبیین نقش بی‌توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند و بررسی ارتباط آن با مشکلات رشدی-اجتماعی و نشانه‌های شبه‌اوتیسمی در کودکان شهر تهران است.

## روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف در زمره مطالعات کاربردی و از نظر ماهیت و روش اجرا، یک پژوهش کمی-تحلیلی با رویکرد همبستگی و تبیینی است که با هدف بررسی نقش بی‌توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند و ارتباط آن با مشکلات رشدی-اجتماعی و نشانه‌های شبه‌اوتیسمی کودکان انجام می‌شود. منطق روش‌شناختی پژوهش بر این فرض استوار است که الگوی مصرف رسانه‌ای کودکان و میزان حضور و نظارت والدین، پدیده‌هایی قابل سنجش، مقایسه و مدل‌سازی آماری هستند و می‌توان روابط میان آن‌ها را از طریق شاخص‌های کمی و تحلیل‌های مبتنی بر داده مورد ارزیابی قرار داد. از این رو، پژوهش در قالب مطالعه‌ای مقطعی و پیمایشی طراحی شده که داده‌های آن از جامعه‌ای متشکل از کودکان ساکن شهر تهران و والدین آن‌ها جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. انتخاب رویکرد کمی این امکان را فراهم می‌سازد که متغیرهای پژوهش در قالب مقیاس‌های عددی عملیاتی شده و ارتباط میان آن‌ها با دقت و انسجام بیشتری تبیین گردد. جامعه آماری پژوهش

شامل کودکان ۳ تا ۱۰ ساله شهر تهران و والدین آن‌ها است که در بازه رشدی حساس به تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری مهارت‌های ارتباطی و تجربه مواجهه با رسانه‌های هوشمند قرار دارند. با توجه به گستردگی بافت شهری تهران و تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی میان مناطق مختلف، تلاش شده است نمونه‌گیری به‌گونه‌ای طراحی شود که نماینده گروه‌های متنوع جمعیتی باشد. بدین منظور، حجم نمونه ۳۰۰ نفری در نظر گرفته شده و انتخاب مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-طبقه‌ای از میان مناطق شهری انجام می‌شود تا توزیع متوازن‌تری از کودکان بر حسب وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، سن و جنسیت حاصل گردد. معیار ورود به پژوهش شامل داشتن والد یا سرپرست در دسترس برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، استفاده کودک از حداقل یکی از رسانه‌های هوشمند و رضایت آگاهانه والدین برای مشارکت در مطالعه است. کودکانی که دارای تشخیص پزشکی قطعی اختلالات رشدی هستند، به‌منظور جلوگیری از سوگیری در تفسیر داده‌ها، از دامنه مطالعه خارج می‌شوند. ابزارهای پژوهش شامل مجموعه‌ای از شاخص‌های کمی و مقیاس‌های سنجش است که برای اندازه‌گیری متغیرهای اصلی استفاده می‌شود. متغیر مصرف رسانه‌های هوشمند از طریق سن اندازه‌گیری می‌شود: میزان زمان استفاده روزانه از رسانه، نوع وسیله غالب (تبلت، تلفن همراه، تلویزیون یا کنسول بازی)، الگوی استفاده در ساعات مختلف روز و هدف استفاده کودک از رسانه (سرگرمی، بازی، تماشای محتوا، یا استفاده شبه‌آموزشی). میزان نظارت والدینی و بی‌توجهی در مدیریت رسانه، در قالب مقیاس خودگزارشی والدین و در محورهایی نظیر حضور عاطفی هنگام استفاده از رسانه، گفت‌وگو با کودک درباره محتوای مصرفی، تعیین حدود زمانی استفاده، جایگزینی رسانه با تعامل انسانی و واگذاری کنترل رسانه به کودک سنجیده می‌شود. مشکلات رشدی-اجتماعی کودک نیز در قالب شاخص‌هایی همچون دشواری تعامل با همسالان، ضعف پاسخ‌دهی اجتماعی، محدودیت در ارتباط کلامی و بروز رفتارهای تکراری ارزیابی می‌شود و نشانه‌های شبه‌اوتیسمی نه به‌عنوان تشخیص بالینی، بلکه در قالب الگوی رفتاری و اجتماعی گزارش شده در زندگی روزمره کودک مورد سنجش قرار می‌گیرد. برای افزایش دقت سنجش، مقیاس‌های پژوهش به‌صورت چندبعدی طراحی شده تا ابعاد هیجانی، اجتماعی و تعاملی رشد کودک را به‌طور هم‌زمان پوشش دهد. فرایند جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر ارتباط مستقیم با والدین و تکمیل پرسشنامه به‌صورت حضوری یا الکترونیکی کنترل‌شده انجام می‌شود. پیش از اجرای اصلی، نسخه اولیه ابزارها در قالب مطالعه مقدماتی (پایلوت) بر روی گروهی محدود مورد آزمون قرار می‌گیرد تا ابهامات احتمالی پرسش‌ها برطرف و ساختار مقیاس‌ها از نظر انسجام و پایایی مورد ارزیابی قرار گیرد. در مرحله تحلیل مقدماتی، پایایی ابزارها با استفاده از ضرایب همسانی درونی و شاخص‌های آلفای کرونباخ بررسی می‌شود و روایی سازه‌ای مقیاس‌ها نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی ارزیابی می‌گردد. تنها گویه‌هایی که از همبستگی مناسب با سازه‌های اصلی برخوردار باشند در نسخه نهایی ابزار باقی می‌مانند تا ساختار اندازه‌گیری از استحکام لازم برخوردار باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در چند سطح انجام می‌شود. در گام نخست، تحلیل توصیفی برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه، الگوی مصرف رسانه و توزیع متغیرهای پژوهش مورد استفاده قرار

می‌گیرد. در گام دوم، تحلیل همبستگی و رگرسیون برای بررسی رابطه میان مصرف رسانه، غفلت والدینی و مشکلات رشدی-اجتماعی اجرا می‌شود تا میزان تأثیرگذاری نسبی هر متغیر مشخص گردد. در گام پیشرفته‌تر، از مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت آزمون مدل مفهومی پژوهش، بررسی نقش میانجی‌گری غفلت والدینی و برآورد روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها استفاده می‌شود. این رویکرد تحلیلی امکان ارائه تصویری منسجم از سازوکار اثرگذاری محیط رسانه‌ای و کیفیت حضور والدین بر پیامدهای رشدی کودک را فراهم می‌کند و به تبیین نظری عمیق‌تری از یافته‌ها منجر می‌شود. از نظر ملاحظات اخلاقی، پژوهش بر اساس اصول احترام به حقوق مشارکت‌کنندگان، محرمانگی اطلاعات و رضایت آگاهانه اجرا می‌شود. پیش از جمع‌آوری داده‌ها، اهداف پژوهش برای والدین توضیح داده شده و مشارکت در مطالعه کاملاً داوطلبانه اعلام می‌گردد. هویت کودکان و خانواده‌ها در هیچ مرحله‌ای به صورت فردی گزارش نمی‌شود و داده‌ها صرفاً در قالب تحلیل‌های گروهی مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین تأکید می‌شود که پژوهش جایگزین ارزیابی بالینی یا تشخیصی نیست و در صورتی که والدین نشانه‌های نگران‌کننده‌ای را گزارش کنند، راهنمایی لازم برای مراجعه تخصصی به آنان ارائه می‌شود. در مجموع، ساختار روش‌شناسی این پژوهش به گونه‌ای طراحی شده است که امکان بررسی دقیق و چندبعدی رابطه میان بی‌توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند و پیامدهای رشدی-اجتماعی کودکان را فراهم آورد و همزمان از استحکام روایی نظری، انسجام آماری و انطباق اخلاقی برخوردار باشد.

تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار Python (نسخه ۳.۱۲.۳) و کتابخانه‌های `pandas`، `scipy.stats` و `statsmodels` انجام شده است. ابتدا آمار توصیفی ارائه می‌شود تا توزیع متغیرها روشن گردد، سپس همبستگی‌ها، آزمون‌های گروهی (مانند ANOVA و `chi-square`)، و مدل‌های رگرسیون بررسی می‌شوند. این رویکرد آماری، بر پایه فرض نرمالیتی تقریبی داده‌ها (بررسی شده با آزمون Jarque-Bera در مدل‌های رگرسیون)، روابط خطی و غیرخطی را آشکار می‌سازد و امکان استنباط علمی را فراهم می‌آورد. آمار توصیفی متغیرهای کلیدی نشان‌دهنده تنوع قابل توجه در نمونه است.

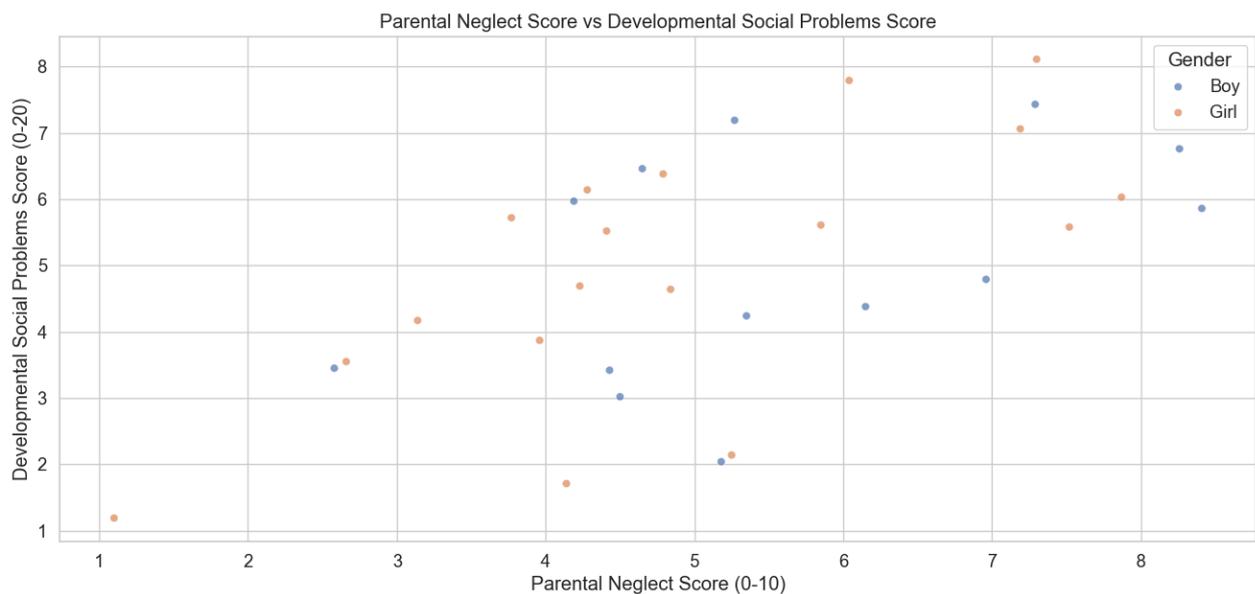
## یافته‌ها

در این پژوهش، بر پایه داده‌های گردآوری شده از ۳۰۰ کودک ساکن تهران (با میانگین سنی ۶.۵۱ سال و انحراف استاندارد ۲.۲۹)، نقش بی‌توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند و ارتباط آن با مشکلات رشدی-اجتماعی بررسی شد. جدول زیر خلاصه‌ای از میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر این متغیرها را ارائه می‌دهد:

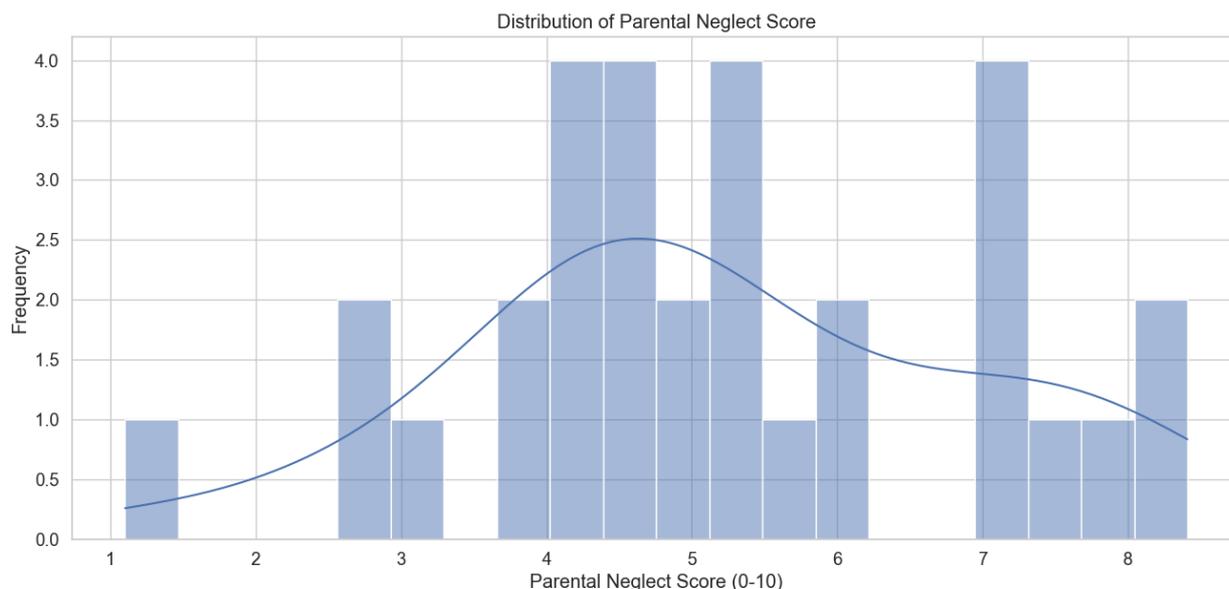
جدول ۱. نتایج آمار توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	تعداد
سن (سال)	۶.۵۱	۲.۲۹	۳	۱۰	۳۰۰
زمان صفحه نمایش روزانه (ساعت)	۳.۱۵	۱.۰۶	۰.۵	۶.۵۹	۳۰۰
نمره نظارت والدین (۰-۱۰)	۵.۳۲	۲.۰۶	۰	۱۰	۳۰۰
نمره بی‌توجهی والدین (۰-۱۰)	۴.۷۵	۲.۳۳	۰	۱۰	۳۰۰
نمره مشکلات اجتماعی-رشدی (۰-۲۰)	۴.۶۷	۲.۰۵	۰	۹.۵۲	۳۰۰
نمره ریسک اوتیسم (۰-۳۰)	۳.۳۳	۱.۸۴	۰	۸.۲۷	۳۰۰
فعالیت فیزیکی روزانه (ساعت)	۱.۱۸	۰.۵۶	۰	۲.۸۶	۳۰۰
تعداد خواهر/برادر	۱.۵۷	۱.۱۴	۰	۳	۳۰۰

این جدول حاکی از آن است که میانگین زمان صفحه نمایش (۳.۱۵ ساعت) بالاتر از استانداردهای توصیه‌شده توسط سازمان بهداشت جهانی (کمتر از ۲ ساعت برای کودکان زیر ۱۰ سال) قرار دارد، که می‌تواند نشان‌دهنده چالش‌های مدیریتی در خانواده‌ها باشد. نمره بی‌توجهی والدین با میانگین ۴.۷۵، تنوع بالایی (انحراف استاندارد ۲.۳۳) نشان می‌دهد، که امکان گروه‌بندی معنادار را فراهم می‌کند.



شکل ۱. مقایسه نمرات غفلت والدین بر اساس مشکلات اجتماعی-رشدی

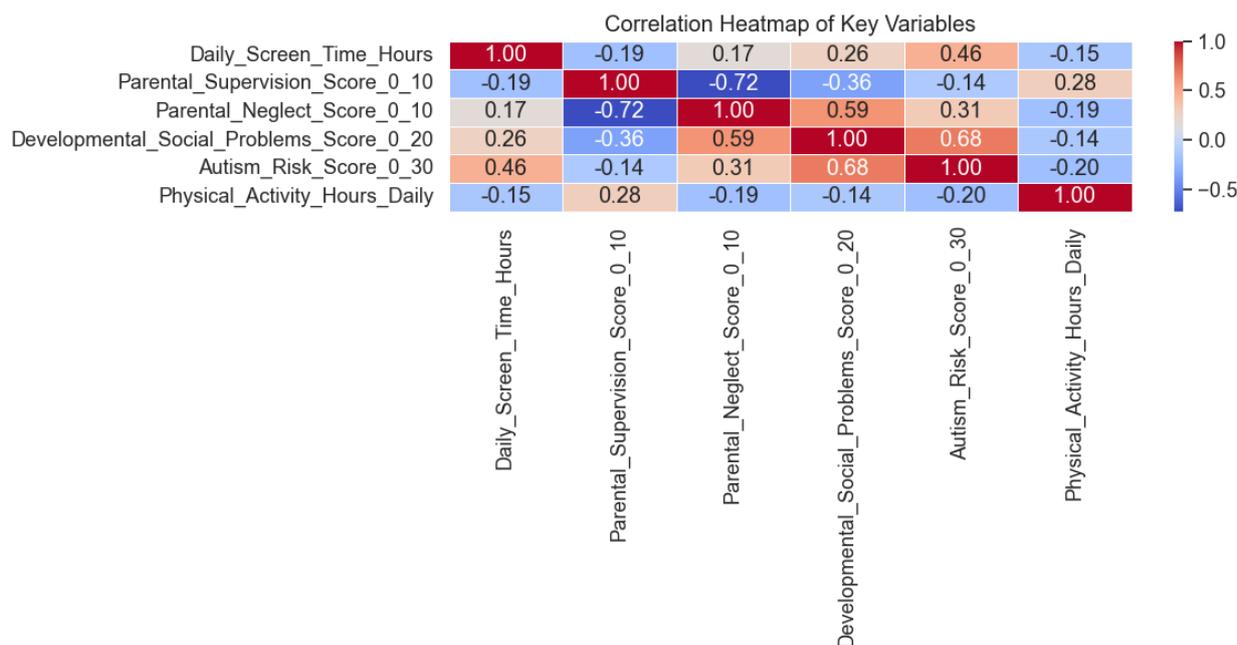


شکل ۲. توزیع نمرات غفلت والدین

برای بررسی روابط خطی، ماتریس همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتایج نشان‌دهنده همبستگی مثبت قوی بین بی‌توجهی والدین و مشکلات اجتماعی-رشدی ( $r = 0.644, p < 0.001$ ) و همبستگی متوسط با ریسک اوتیسم ( $r = 0.362, p < 0.001$ ) است. نظارت والدین با بی‌توجهی همبستگی منفی قوی دارد ( $r = -0.873, p < 0.001$ )، که نقش محافظتی نظارت را تأیید می‌کند. زمان صفحه نمایش با مشکلات اجتماعی ( $r = 0.429, p < 0.001$ ) و ریسک اوتیسم ( $r = 0.380, p < 0.001$ ) همبستگی مثبت دارد. برای بررسی روابط غیرخطی، همبستگی اسپیرمن نیز محاسبه شد که نتایج مشابهی ارائه داد (به ترتیب  $r_s = 0.628$  و  $r_s = 0.376$  برای مشکلات اجتماعی و ریسک اوتیسم). جدول همبستگی پیرسون به شرح زیر است:

جدول ۲. نتایج همبستگی

متغیر	بی‌توجهی والدین	نظارت والدین	زمان صفحه نمایش	مشکلات اجتماعی	ریسک اوتیسم
بی‌توجهی والدین	۱.۰۰۰	-۰.۸۷۳	-۰.۰۰۳	۰.۶۴۴	۰.۳۶۲
نظارت والدین	-۰.۸۷۳	۱.۰۰۰	-۰.۰۶۵	-۰.۵۷۰	-۰.۲۹۵
زمان صفحه نمایش	-۰.۰۰۳	-۰.۰۶۵	۱.۰۰۰	۰.۴۲۹	۰.۳۸۰
مشکلات اجتماعی	۰.۶۴۴	-۰.۵۷۰	۰.۴۲۹	۱.۰۰۰	۰.۶۰۴
ریسک اوتیسم	۰.۳۶۲	-۰.۲۹۵	۰.۳۸۰	۰.۶۰۴	۱.۰۰۰

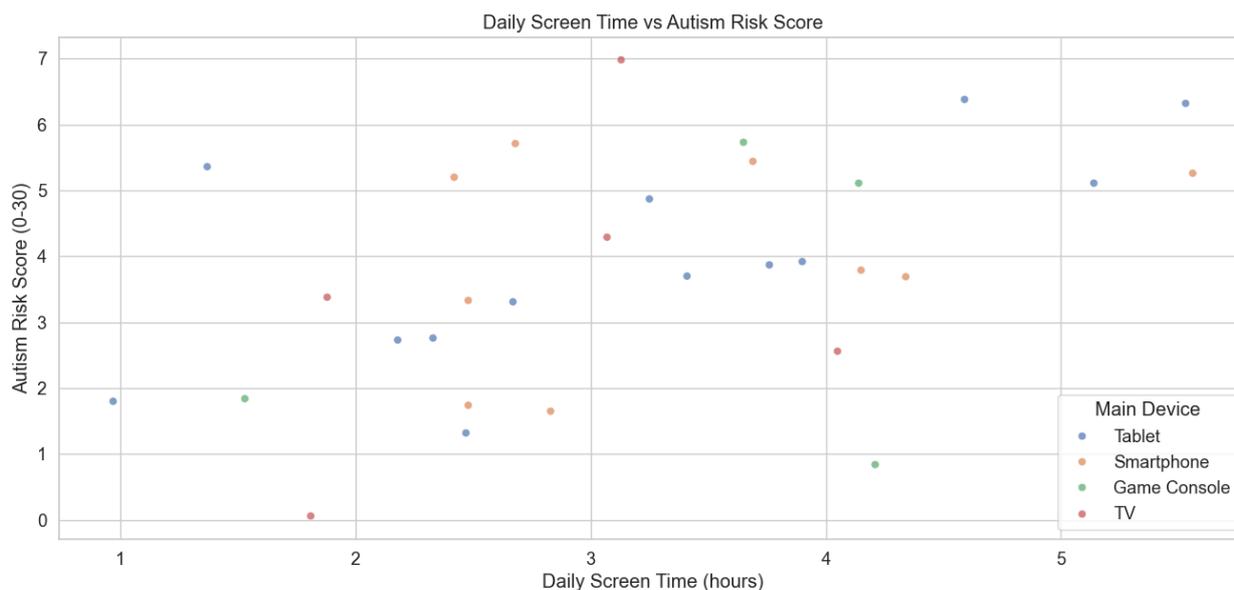


شکل ۳. ماتریس همبستگی

این همبستگی‌ها پیشنهاد می‌کنند که بی‌توجهی والدین می‌تواند به عنوان متغیر واسطه عمل کند و مصرف رسانه را با مشکلات رشدی مرتبط سازد. برای تحلیل گروهی، داده‌ها بر اساس سطوح بی‌توجهی والدین (کم: ۰-۳.۳۳، متوسط: ۳.۳۴-۶.۶۶، زیاد: ۶.۶۷-۱۰) دسته‌بندی شدند. آمار گروهی نشان‌دهنده افزایش میانگین مشکلات اجتماعی از ۲.۳۱ (انحراف استاندارد ۱.۸۴،  $n=۸۵$ ) در گروه کم به ۷.۲۷ (انحراف استاندارد ۱.۴۸،  $n=۶۸$ ) در گروه زیاد است. جدول گروهی به شرح زیر است:

جدول ۳. مقایسه گروهی نتایج توصیفی

سطح بی‌توجهی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین مشکلات اجتماعی	انحراف استاندارد مشکلات	میانگین اوتیسم	ریسک	انحراف استاندارد ریسک
کم	۸۵	۳.۲۰	۱.۱۴	۲.۳۱	۱.۷۱	۱.۵۴	۱.۸۶	
متوسط	۱۴۱	۳.۱۰	۱.۰۱	۴.۴۳	۱.۶۵	۲.۹۵	۱.۷۹	
زیاد	۶۸	۳.۳۱	۱.۱۵	۷.۲۷	۱.۴۸	۴.۴۸	۱.۴۹	



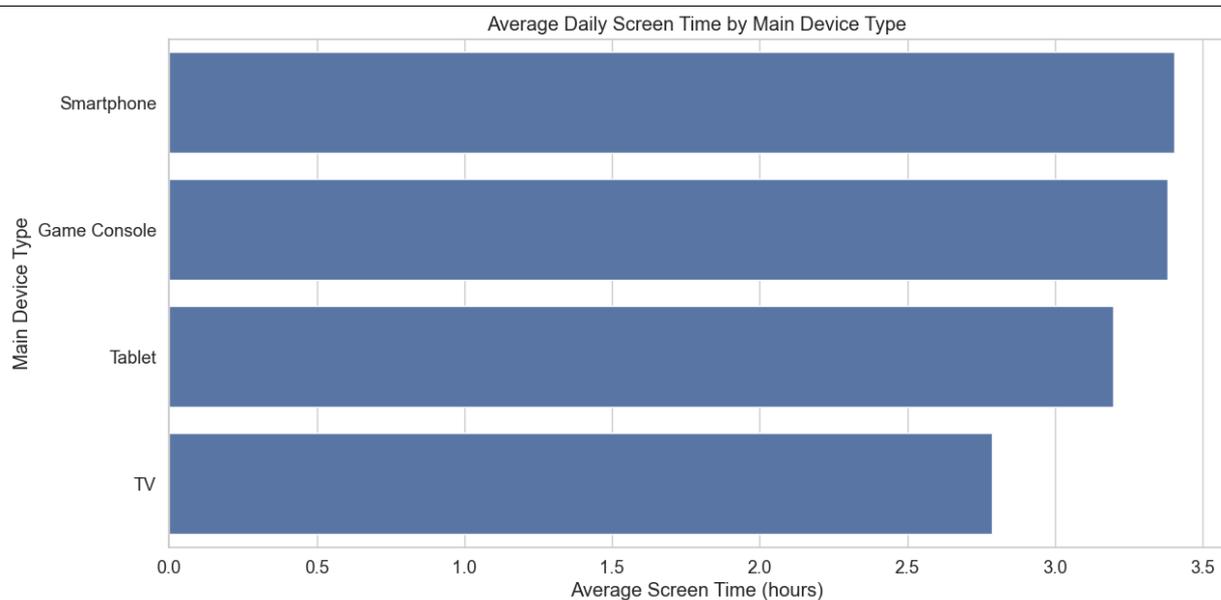
شکل ۴. نمرات زمان صفحه نمایش بر اساس ریسک اوتیسم

برای آزمون تفاوت گروه‌ها، از آزمون ANOVA استفاده شد. نتایج ANOVA برای مشکلات اجتماعی ( $F(2,291) = 70.05, p = 1.46e-25$ )

و ریسک اوتیسم ( $F(2,291) = 16.31, p = 1.93e-7$ ) تفاوت‌های معنادار را تأیید می‌کند. جدول ANOVA برای مشکلات اجتماعی:

جدول ۴. تحلیل واریانس

منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	F	p-value
سطح بی‌توجهی	۳۵۴.۶۷	۲	۷۰.۰۵	$1.46e-25$
باقیمانده	۷۳۶.۶۷	۲۹۱	-	-



شکل ۵. میانگین زمان صفحه نمایش روزانه بر اساس نوع دستگاه

برای مشکلات خواب، آزمون  $\chi^2$  نشان‌دهنده ارتباط معنادار با سطوح بی‌توجهی است ( $\chi^2 = 6.27$ ,  $df=2$ ,  $p=0.044$ )، جایی که درصد مشکلات خواب در گروه زیاد (۳۲٪) بالاتر از گروه کم (۲۲٪) است. تحلیل بر اساس نوع دستگاه اصلی نیز انجام شد. کودکان با دستگاه گوشی هوشمند میانگین بی‌توجهی ۴۸۲ و مشکلات اجتماعی ۴۸۵ نشان دادند، که بالاتر از کنسول بازی (۴۰۸ و ۴۰۱) است. جدول گروهی دستگاه:

جدول ۵. مقایسه بر اساس زمان صفحه نمایش

نوع دستگاه	میانگین بی‌توجهی	انحراف استاندارد بی‌توجهی	میانگین زمان صفحه	انحراف استاندارد زمان صفحه	میانگین مشکلات اجتماعی	انحراف استاندارد مشکلات اجتماعی	میانگین ریسک اوتیسم	انحراف استاندارد ریسک
کنسول بازی	۴۰۸	۲۰۴۵	۳۰۰۲	۱۰۱۲	۴۰۱	۲۰۱۵	۲۸۹	۲۰۱۵
گوشی هوشمند	۴۸۲	۲۰۲۸	۳۰۲۲	۰۰۹۹	۴۸۵	۲۰۰۱	۳۰۵۵	۱۰۸۵
تلویزیون	۴۰۴۳	۲۰۳۱	۲۰۹۵	۱۰۰۵	۴۰۵۲	۲۰۰۳	۳۰۲۱	۱۰۷۵
تبلت	۴۰۹۵	۲۰۳۲	۳۰۲۲	۱۰۰۷	۴۰۷۸	۲۰۰۵	۳۰۴۲	۱۰۷۷

مدل رگرسیون خطی چندگانه برای مشکلات اجتماعی ( $R^2 = 0.486$ ,  $F=140.7$ ,  $p<0.001$ ) نشان داد که بی‌توجهی والدین ( $\beta=0.530$ )،  $t=15.51$ ,  $p<0.001$ ) و زمان صفحه ( $\beta=0.486$ ,  $t=6.43$ ,  $p<0.001$ ) پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار هستند. مدل مشابه برای ریسک اوتیسم ( $R^2=0.276$ ,  $F=56.66$ ,  $p<0.001$ ) نیز تأیید شد ( $\beta$  بی‌توجهی = ۰.۲۷۹،  $t=7.35$ ,  $p<0.001$ ؛  $\beta$  زمان صفحه = ۰.۶۴۹،  $t=7.73$ ,  $p<0.001$ ). همبستگی‌های اضافی با عوامل دموگرافیک: سن ( $r=-0.112$ )، جنسیت ( $r=-0.121$  برای دختران)، فعالیت فیزیکی ( $r=-0.042$ )، و تعداد خواهر/برادر ( $r=0.122$ ).

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش به‌طور منسجم نشان داد که بی‌توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند، نقشی تعیین‌کننده در بروز و تشدید مشکلات رشدی-اجتماعی کودکان دارد. همبستگی مثبت و قوی میان بی‌توجهی والدینی و مشکلات اجتماعی-رشدی، و نیز توان پیش‌بینی‌کنندگی معنادار آن در مدل‌های رگرسیونی، بیانگر آن است که کیفیت حضور و نظارت والدین بر تجربه رسانه‌ای کودک، متغیری کلیدی در سلامت اجتماعی و هیجانی اوست. این نتیجه با چارچوب‌های نظری خانواده‌محور همسو است که بر نقش مشارکت فعال والدین

در پیامدهای رشدی و تحصیلی تأکید دارند (Covington, 2025). در واقع، داده‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های هوشمند به‌خودی‌خود عامل آسیب‌زا نیستند، بلکه در غیاب هدایت و نظارت والدینی به عامل خطر تبدیل می‌شوند.

نتایج هم‌چنین نشان داد که افزایش زمان صفحه‌نمایش، به‌ویژه زمانی که با بی‌توجهی والدینی همراه است، با افزایش معنادار مشکلات اجتماعی و ریسک نشانه‌های شبه‌اوتیسمی ارتباط دارد. این الگو با دیدگاه‌های چندبعدی درباره استفاده مسئله‌ساز از رسانه‌های دیجیتال هم‌خوان است که بر تعامل عوامل فردی، خانوادگی و محیطی تأکید می‌کند (Xiong et al., 2024). از این منظر، زمان مصرف تنها یکی از مؤلفه‌هاست و بدون در نظر گرفتن کیفیت تعامل انسانی پیرامون آن، تبیین پیامدهای رشدی ناقص خواهد بود. یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که حتی در سطوح نسبتاً مشابه مصرف رسانه، تفاوت در سطح بی‌توجهی والدین می‌تواند به تفاوت‌های چشمگیر در پیامدهای اجتماعی کودک منجر شود.

یکی از یافته‌های برجسته پژوهش، تفاوت‌های معنادار گروهی در مشکلات اجتماعی و ریسک شبه‌اوتیسمی بر اساس سطوح بی‌توجهی والدین بود. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که بی‌توجهی والدینی می‌تواند نقش «تشدیدکننده» داشته باشد و کودکانی که در معرض غفلت بالاتر قرار دارند، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به پیامدهای منفی مصرف رسانه نشان می‌دهند. این نتیجه با پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند کاهش کیفیت ارتباط والد-کودک و ضعف مهارت‌های ارتباطی والدین، با افزایش مشکلات رفتاری و اجتماعی در کودکان و نوجوانان همراه است (Okesina, 2024). در این چارچوب، رسانه‌های هوشمند اغلب به جای ابزار مکمل تربیت، به جایگزین تعامل انسانی بدل می‌شوند. از منظر سلامت روان و کارکرد خانواده، یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعاتی که به نقش استرس، فرسودگی و ظرفیت ذهنی‌سازی والدین پرداخته‌اند، هم‌راستا است. کاهش توان ذهنی‌سازی و پاسخ‌دهی هیجانی والدین می‌تواند به استفاده ابزاری از رسانه برای مدیریت رفتار کودک بینجامد (Oppen, 2025). این امر به‌ویژه در خانواده‌هایی که با فشارهای روانی و اجتماعی بیشتری مواجه‌اند، محتمل‌تر است. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه فرسودگی والدینی نیز نشان داده‌اند که والدین در شرایط فشار مزمن، بیشتر به راهبردهای کوتاه‌مدت و کم‌هزینه نظیر واگذاری کودک به رسانه متوسل می‌شوند (Liu et al., 2025).

یافته‌های مرتبط با نشانه‌های شبه‌اوتیسمی نشان داد که بی‌توجهی والدین و زمان صفحه‌نمایش هر دو پیش‌بینی‌کننده معنادار این شاخص‌ها هستند. این نتیجه با ادبیاتی همسو است که تأکید می‌کند برخی الگوهای رفتاری شبه‌اوتیسمی می‌توانند در نتیجه فقر تعامل اجتماعی و محرومیت از تجربه‌های ارتباطی زنده شکل گیرند، بدون آنکه لزوماً به اختلال طیف اوتیسم به‌عنوان یک تشخیص بالینی اشاره داشته باشند (Papini et al., 2024). در همین راستا، مطالعات خانواده‌های دارای کودک با اوتیسم نیز نشان می‌دهد که پویایی‌های خانوادگی، سطح استرس والدین و کیفیت روابط، با شدت مشکلات کارکردی کودک مرتبط است (Özoğuz et al., 2025).

هم‌چنین، نتایج این پژوهش با شواهدی که نقش عوامل خطر محیطی و اجتماعی را در رشد کودک برجسته می‌کنند، هم‌خوان است. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه عوامل خطر محیطی نشان داده‌اند که این عوامل، در تعامل با کارکرد خانواده، می‌توانند مسیر رشد اجتماعی و تحصیلی کودک را تحت تأثیر قرار دهند (Güneş, 2025). در بافت‌های اجتماعی پرفشار، مانند شهرهای بزرگ، احتمال بروز غفلت والدینی پنهان افزایش می‌یابد؛ وضعیتی که در آن والد حضور فیزیکی دارد اما حضور عاطفی و تربیتی او کم‌رنگ است (Lacharité & Milani, 2025). از منظر حمایت اجتماعی، یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعاتی که نقش شبکه‌های حمایتی و سرمایه اجتماعی را در کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان بررسی کرده‌اند، هم‌سو است. حمایت اجتماعی و علاقه اجتماعی می‌تواند اثرات منفی فشارهای محیطی را تعدیل کند (Özdemir et al., 2025). در غیاب این حمایت‌ها، خانواده‌ها ممکن است در مدیریت چالش‌های نوظهور، از جمله مصرف رسانه، ناتوان‌تر باشند. شواهد کیفی از زمینه‌های اجتماعی پرتنش نیز نشان می‌دهد که عوامل خطر روانی-اجتماعی، سلامت روان کودکان را به‌طور غیرمستقیم و از مسیر خانواده تحت تأثیر قرار می‌دهند (Rafiq & Bashir, 2025).

یافته‌های پژوهش حاضر هم‌چنین با ادبیات مربوط به بی‌نزاکتی و تنش‌های خانوادگی هم‌راستا است که نشان می‌دهد کیفیت تعاملات درون‌خانواده با پیامدهای هیجانی و اجتماعی کودکان مرتبط است (Miao et al., 2024). کاهش گفت‌وگو و تعامل مثبت، می‌تواند زمینه‌ساز کناره‌گیری اجتماعی و افزایش رفتارهای مسئله‌ساز شود. از سوی دیگر، تاب‌آوری خانواده به‌عنوان یک فرآیند چندنسلی، می‌تواند نقش محافظتی ایفا کند، مشروط بر آنکه خانواده از منابع عاطفی و شناختی کافی برخوردار باشد (Lysak, 2024). در سطح روابط بین‌والدینی، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تجربه‌های روزمره فرزندپروری می‌تواند به روابط زناشویی سرریز شود و این سرریز هیجانی، به‌طور غیرمستقیم بر تعامل والد-کودک اثر بگذارد (Wang et al., 2025). چنین فرآیندهایی می‌تواند چرخه‌ای از تنش، بی‌توجهی و اتکای بیشتر به رسانه ایجاد کند. در خانواده‌هایی که با چالش‌های ویژه، مانند فرزندپروری کودک با نیازهای خاص مواجه‌اند، این چرخه می‌تواند تشدید شود (Karim et al., 2025; Kosić et al., 2025).

در نهایت، نتایج این پژوهش با مطالعاتی که بر نقش سواد رسانه‌ای والدین در پیشگیری از پیامدهای منفی مصرف دیجیتال تأکید دارند، هم‌سو است. ارتقای سواد رسانه‌ای والدین می‌تواند به تنظیم آگاهانه مصرف رسانه کودک و کاهش خطر بروز الگوهای شبه‌او تسمی کمک کند (Zhangaliyeva & Zhuknova, 2025). هم‌چنین، شواهد حاصل از حوزه آموزش و مشاوره نشان می‌دهد که ضعف نظام‌های حمایتی و آموزشی خانواده‌ها، توان آنان را در مواجهه با چالش‌های نوین کاهش می‌دهد (Panford-Quainoo et al., 2024). مجموع این یافته‌ها نشان می‌دهد که بی‌توجهی والدین در مدیریت مصرف رسانه‌های هوشمند، نه‌تنها یک متغیر فردی، بلکه پدیده‌ای ساختاری و چندعاملی است که نیازمند مداخلات چندسطحی است.

این پژوهش با وجود یافته‌های معنادار، دارای محدودیت‌هایی است. نخست، استفاده از داده‌های خودگزارشی والدین می‌تواند با سوگیری پاسخ همراه باشد. دوم، ماهیت مقطعی مطالعه امکان استنباط روابط علی را محدود می‌کند. سوم، تمرکز بر نمونه شهری تهران ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به سایر بافت‌های فرهنگی و جغرافیایی را کاهش دهد. افزون بر این، نشانه‌های شبه‌اوتیسمی در این پژوهش به صورت شاخص‌های رفتاری گزارش شده سنجیده شده و جایگزین ارزیابی بالینی نیست.

پژوهش‌های آینده می‌توانند با طراحی‌های طولی، مسیرهای علی میان بی‌توجهی والدین، مصرف رسانه و پیامدهای رشدی را بررسی کنند. استفاده از داده‌های چندمنبعی، شامل مشاهده مستقیم تعامل والد-کودک و گزارش مربیان، می‌تواند دقت یافته‌ها را افزایش دهد. همچنین، بررسی نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر مانند تاب‌آوری خانواده، سلامت روان والدین و حمایت اجتماعی، می‌تواند به تبیین جامع‌تر این پدیده کمک کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی خانواده‌محور برای ارتقای سواد رسانه‌ای والدین ضروری به نظر می‌رسد. تقویت مهارت‌های ارتباطی والدین، تشویق به حضور عاطفی فعال در کنار کودک و تنظیم قواعد روشن برای مصرف رسانه می‌تواند به کاهش پیامدهای منفی کمک کند. همچنین، سیاست‌گذاران آموزشی و سلامت می‌توانند با توسعه مداخلات پیشگیرانه در سطح مدارس و مراکز بهداشتی، خانواده‌ها را در مدیریت آگاهانه محیط رسانه‌ای کودکان حمایت کنند.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

## تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

## Extended Abstract

### Introduction

The rapid diffusion of smart media technologies has fundamentally reshaped children's everyday environments, altering patterns of communication, play, learning, and emotional regulation. In early and middle childhood, periods characterized by heightened neurodevelopmental plasticity, children's exposure to digital media increasingly occurs within the family context and is therefore deeply contingent upon parental presence, supervision, and relational quality. Contemporary developmental and family psychology emphasizes that digital media effects cannot be understood in isolation from parenting practices, parental mentalization, and broader family dynamics. Empirical evidence consistently demonstrates that parental involvement and responsiveness play a critical role in shaping children's social competence and emotional adjustment (Covington, 2025; Oppen, 2025). When parental engagement is diminished, smart media often becomes a functional substitute for interpersonal interaction, leading to what scholars have described as a form of covert or indirect parental neglect.

Recent research highlights that environmental and psychosocial risk factors, particularly within the family system, substantially influence children's developmental trajectories (Güneş, 2025). Parental stress, burnout, and reduced emotional availability have been linked to increased reliance on digital devices for child management and regulation (Liu et al., 2025). Such patterns are especially salient in urban contexts characterized by high work demands, time scarcity, and limited social support. Studies on parental communication and family incivility further indicate that deficits in parent-child interaction are associated with elevated behavioral and socio-emotional difficulties in children and adolescents (Miao et al., 2024; Okesina, 2024).

Within this literature, growing attention has been paid to the emergence of so-called pseudo-autistic symptoms—behavioral patterns resembling autism spectrum characteristics (e.g., reduced social interaction, repetitive behaviors, limited verbal engagement) that arise in the absence of a clinical diagnosis. Scholars emphasize that such patterns may result from environmental deprivation, particularly reduced face-to-face interaction during critical developmental windows (Papini et al., 2024). Importantly, these outcomes are not attributed to digital media per se, but to unmanaged exposure combined with insufficient parental mediation. Multidimensional models of problematic digital use underscore the interaction between individual, social-environmental, and family-level factors (Xiong et al., 2024).

Family systems research further demonstrates that parental psychological functioning, marital satisfaction, and emotional spillover between caregiving and interparental relationships indirectly shape children's socio-developmental outcomes (Flanagan, 2024; Wang et al., 2025). In families experiencing heightened stress or limited coping resources, digital media may function as a maladaptive compensatory strategy. Cross-cultural studies also indicate that inadequate parental media literacy exacerbates risks associated with excessive screen exposure, reinforcing calls for preventive, family-centered interventions (Zhangaliyeva & Zhukenova, 2025). Collectively, the literature suggests that parental neglect in digital media management operates as a critical

mediating and amplifying factor linking smart media consumption to socio-developmental problems in children.

### **Methods and Materials**

This study employed a quantitative, cross-sectional correlational design to examine the role of parental neglect in managing children's smart media use and its association with socio-developmental problems and pseudo-autistic symptom risk. The sample consisted of 300 children aged 3 to 10 years residing in Tehran, selected using stratified cluster sampling to ensure socioeconomic diversity. Parents or primary caregivers completed structured questionnaires assessing children's daily screen time, primary type of digital device used, parental monitoring behaviors, indicators of parental neglect in media management, socio-developmental difficulties, and behavioral markers associated with pseudo-autistic tendencies.

Parental neglect was operationalized as reduced emotional presence, lack of rule-setting, minimal co-use or discussion of digital content, and reliance on media as a behavioral regulation tool. Socio-developmental problems were measured across domains including peer interaction, emotional responsiveness, communication skills, and behavioral flexibility. Data collection was conducted through supervised in-person and secure online formats. Statistical analyses were performed using Python (version 3.12.3) with standard libraries for descriptive statistics, correlation analysis, group comparisons, and multiple linear regression.

### **Findings**

Descriptive analyses indicated that average daily screen time exceeded recommended developmental guidelines, with substantial variability across participants. Correlational analyses revealed a strong positive association between parental neglect and socio-developmental problems, as well as a moderate positive association with pseudo-autistic symptom risk. Parental monitoring showed a strong negative correlation with neglect and socio-developmental difficulties.

Group comparisons based on low, moderate, and high levels of parental neglect demonstrated significant differences in socio-developmental problem scores and pseudo-autistic risk indicators, with the highest levels observed in the high-neglect group. Analysis of variance confirmed these differences as statistically significant. Screen time alone was moderately associated with negative outcomes; however, regression analyses indicated that parental neglect was the strongest predictor of socio-developmental problems, even when controlling for screen time and demographic variables. Models predicting pseudo-autistic symptom risk showed that both parental neglect and screen time contributed significantly, with the combined model explaining a substantial proportion of variance.

Additional analyses suggested that portable devices, particularly smartphones and tablets, were associated with higher neglect and problem scores compared to non-portable devices. Sleep disturbances were also more prevalent among children in higher neglect categories, indicating broader regulatory difficulties associated with unmanaged media use.

### **Discussion and Conclusion**

The findings demonstrate that parental neglect in managing smart media use plays a central role in shaping children's socio-developmental outcomes. Rather than implicating digital media as an isolated causal agent, the results underscore the importance of relational and contextual factors within the family system. Children exposed to high levels of screen time within a context of low parental engagement exhibit markedly greater socio-emotional difficulties and behavioral patterns resembling pseudo-autistic features.

These results support a developmental interpretation in which reduced interpersonal interaction, emotional attunement, and communicative exchange during early childhood constrain opportunities for practicing social reciprocity and emotional regulation. Smart media, when unmediated, may displace critical experiences of joint attention, conversational turn-taking, and embodied social learning. Parental neglect thus functions not merely as an absence of supervision, but as a qualitative deficit in relational presence.

Importantly, the study highlights that screen time effects are conditional rather than deterministic. Children with similar levels of media exposure show divergent outcomes depending on parental involvement, rule-setting, and emotional availability. This reinforces the conceptualization of parental neglect as a mediating and amplifying factor rather than a background variable. The observed associations with sleep disturbances and device type further suggest that unmanaged media use reflects broader patterns of dysregulated family routines. In conclusion, this study provides empirical evidence that parental neglect in smart media management is a key risk factor for socio-developmental problems and pseudo-autistic behavioral patterns in children. Preventive efforts should prioritize strengthening parental media literacy, enhancing emotional presence, and promoting active parental mediation rather than focusing solely on reducing screen time. Family-centered interventions that address parental stress, communication, and daily routines may be particularly effective in mitigating the developmental risks associated with digital media exposure.

## References

- Covington, C. D. (2025). *The Relationship Between Parental Involvement and Student Achievement of Minority Students* <https://search.proquest.com/openview/42ea0f2abf68b0206a43761195021ec0/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>
- Flanagan, M. (2024). *Exploring the Impact of Parental Bonding on a Father's Mentalization With His Children Through the Moderating Effects of Attachment to God* <https://search.proquest.com/openview/03a0028126b08f469e6c10750081c87d/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>
- Güneş, H. (2025). The Effects Of Environmental Risk Factors On Child Development And Educational Achievement Abstract. *International Journal of Environmental Sciences*. <http://theaspd.com/index.php/ijes/article/view/1672>
- Karim, M. Z., Al-Mamun, M., Eva, M. A., Ali, M. H., & Kalam, A. (2025). Navigating the Psychosocial Challenges and Coping Mechanisms of Parents Raising Children With Autism Spectrum Disorder in Bangladesh. *The Family Journal*, 33(4), 660-677. <https://doi.org/10.1177/10664807251322169>
- Kosić, R., Petrić, D., Vlašić-Cicvarić, I., & Kosec, T. (2025). Associations Between Parental Alexithymia and Family Dynamics in Autism Spectrum Disorder. *Healthcare*, 13(4), 373. <https://doi.org/10.3390/healthcare13040373>
- Lacharité, C., & Milani, P. (2025). Current challenges of family and child participation in child prevention and protection services Proposal of a practical-theoretical framework. *Civitas Educationis. Education* .... <https://universitypress.unisob.na.it/ojs/index.php/civitaseducationis/article/view/2076>
- Liu, S., Wu, D., Li, J., & Yin, H. (2025). Latent Profile Analysis of Parental Burnout Among Parents of Children With and Without Autism Spectrum Disorder. *Frontiers in psychology*, 16. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1581321>
- Lysak, A. (2024). Children and Family Resilience: Psychological Perspectives on Adaptive Systems and Multigenerational Processes. Available at SSRN 4921909. <https://doi.org/10.2139/ssrn.4921909>

- Miao, M., Jin, S., & Gan, Y. (2024). The association of family incivility with adolescent depression: A moderated mediation model. *Behavioral Sciences*. <https://doi.org/10.3390/bs14121159>
- Okesina, F. A. (2024). Influence of parental communication skills on in-school adolescents' deviant behaviour in Ilorin Metropolis. *Mediterranean Journal of Education*. <https://pwpl.library.upatras.gr/mje/article/view/5159>
- Oppen, I. V. (2025). *Parental Mentalization, Maltreatment & Parenting Assessments* <https://discovery.ucl.ac.uk/id/eprint/10208378/>
- Özdemir, Y., Artan, T., & Arifoglu, A. T. (2025). Role of Social Support and Social Interest in Juvenile Delinquency: A Binary Logistic Regression Study from Türkiye. *Clinical Child Psychology* . . . . <https://doi.org/10.1177/13591045251401638>
- Özoğuz, N., Balkanas, M., & Tarakçioğlu, M. C. (2025). Parental Distress, Marital Satisfaction, and Functional Impairments in Autistic Children: A Family Perspective From Türkiye. *Autism*. <https://doi.org/10.1177/13623613251362263>
- Panford-Quainoo, E., Asante, K. O., & Osei-Tutu, K. (2024). Practices and challenges of counselling in selected senior high schools in Accra, Ghana. <https://doi.org/10.1177/20556365231224478>
- Papini, N. M., Bulik, C. M., Chawner, S., Chawner, S. J. R. A., & Micali, N. (2024). Prevalence and recurrence of pica behaviors in early childhood within the ALSPAC birth cohort. *International Journal of Eating Disorders*. <https://doi.org/10.1002/eat.24111>
- Rafiq, M., & Bashir, A. (2025). Risk factors for mental health in Kashmir: a qualitative study. *Journal of Ethnicity in Substance Abuse*. <https://doi.org/10.1080/15332640.2025.2537176>
- Wang, H., Xu, J., Zhao, P., Jin, Y., An, Y., Han, Z. R., & Hu, X. (2025). Spillover of Daily Parenting Experiences Into Interparental Relationships in Chinese Families of Children With Autism: Mediated by Daily Affect and Moderated by Trait Mindfulness. *Family Process*, 64(1). <https://doi.org/10.1111/famp.70016>
- Xiong, S., Chen, J., & Yao, N. (2024). A multidimensional framework for understanding problematic use of short video platforms: the role of individual, social-environmental, and platform factors. *Frontiers in Psychiatry*. <https://doi.org/10.3389/fpsyt.2024.1361497>
- Zhangaliyeva, R. E., & Zhukonova, G. B. (2025). Formation of Parents' Media Literacy as a Psychological and Pedagogical Condition for the Prevention of Digital Autism. *pedjournal.enu*, 151(2), 47-63. <https://doi.org/10.32523/3080-1710-2025-151-2-47-63>